



# تساوی فرصت‌های شغلی برای کارگران زن

قسمت اول

بدون شک روز به روز بر تعداد کارگران زن افزوده می‌شود اما اشتغال آنها اغلب بصورت پاره‌وقت، موقت و با دستمزد پایین است.

بالا دسترسی پیدا نمی‌کنند و درصد آنان در پست‌های مدیریت نیز دقیقاً پایین‌تر از سطح تحصیلات و تجربیات آنهاست. براساس تحقیقی که سال ۱۹۹۰ در آمریکا درمورد یک‌هزار شرکت بزرگ انجام شده، از ۴۰۱۲ نفر که شامل مدیران و کارکنان عالی‌رتبه دارای دستمزد بالا بودند تنها ۱۹ نفر (کمتر از نیم درصد) را زنان تشکیل می‌دادند. از بین ۷ هزار مدیر شرکت بزرگ «توشیبا» در ژاپن نیز تنها ۱۰ نفر از آنان زن هستند.

## اروپای شرقی و شوروی سابق

اروپای شرقی طی چند دهه دارای نرخ بالایی از مشارکت زنان در جمعیت فعال بود اما در فاصله سالهای دهه هشتاد میزان آن در بعضی کشورها ثابت ماند و حتی کاهش پیدا کرد. با وجود این، این میزان هنوز قابل توجه است. رقم بالای خدمات نگهداری کودکان که توسط دولت

تأمین مالی می‌شود نیز تا حد زیادی موجب افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای شده است. تقریباً نیمی از زنان این منطقه در بخش خدمات، یک سوم در بخش صنعت و یک پنجم در بخش کشاورزی اشتغال دارند.

در این منطقه نیز مانند هر جای دیگر، تمرکز زنان معمولاً در برخی مشاغل بیشتر است، گرچه در کشورهای غربی ضرورتاً این چنین نیست. در اروپای شرقی نرخ اشتغال زنان در برخی حرفه‌ها مانند پزشکی که از پرستیژ پایینی برخوردارند، بسیار بالاست. خدمات مالی و خدمات بیمه نیز همین وضع را دارند، اما بسیار محتمل است که این وضعیت در آینده تغییر کند.

در صنایع کارخانه‌ای بسیاری از کشورها، زنان در بخش‌های نیازمند نیروی کار آنان مانند: صنایع پوشاک، کفش، نساجی، چرم و در بعضی کشورهای دیگر در صنایع دخانیات متمرکز هستند. زنان معمولاً در پایین‌ترین رده جدول اشتغال قرار دارند. با این همه، وضعیت شغلی آنها به کندی دچار تغییر و تحول می‌شود. در بسیاری از این کشورها، نسبت زنان در پست‌های مدیریت سریع‌تر از نسبت آنها در کل نیروهای شاغل افزایش پیدا می‌کند. این امر بویژه در کشورهای کانادا، آمریکا و سوئد دیده می‌شود.

نسبت زنان در برخی مشاغلی که بصورت سنتی زنانه است، بعنوان مثال در شغل معلمی، بطرز محسوسی کاهش یافته است. آنان در مشاغل حرفه‌ای مانند (آرشیستکت، دندانپزشکی و غیره) حضور بیشتری دارند تا در مشاغل فنی و نیازمند مهارت (مانند تعمیر تلفن).

اصلاحات قانونی نیز در این زمینه مؤثر بوده است. قبلاً در تعدادی از این کشورها اشتغال زنان در واحدهایی مانند ارتش یا پلیس محدود بود و یا تواناییهای جسمانی را می‌طلبید که زنان فاقد

آن بودند اما از سال ۱۹۸۷ در بلژیک و از سال ۱۹۸۸ در اسپانیا، ممنوعیت قانونی ورود زنان به ارتش برداشته شد. از سال ۱۹۸۱ در ایتالیا به زنان اجازه خدمت در اداره پلیس داده شد بطوری که در سال ۱۹۸۷، ۲/۳ درصد نیروهای پلیس این کشور را زنان تشکیل می‌دادند. در فنلاند تقریباً ۳۰ درصد سرپرستان مؤسسات را زنان تشکیل می‌دهند، این نسبت در سوئد ۲۵ درصد و در فرانسه به ۲۱ درصد می‌رسد.

زنان در مؤسسات بزرگ معمولاً به پست‌های

تساوی فرصتهای شغلی، اصلی است که کلیه کشورها رسماً بر آن صحه می‌گذارند. تبعیض براساس جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب یا عقاید سیاسی در بیشتر کشورها محکوم شده است. بطور کلی در جامعه اروپا افرادی که قادر به کار کردن نیستند، چهاربرابر بیشتر از سایر افراد در معرض بیکاری قرار دارند.

در ژاپن، درآمد یک زن بطور متوسط کمتر از نصف درآمد یک مرد است. یک کودک اسپانیایی الاصل در آمریکا سه برابر بیشتر از یک کودک سفیدپوست در معرض خطر ترک تحصیلات متوسطه قرار دارد.

## افزایش کارگران زن

امروزه بیشتر زنان در خارج از خانه به کار اشتغال دارند، بسیاری از آنان به اختیار خود کار می‌کنند و از نوعی آزادی که زنان نسل پیشین از آن محروم بودند، برخوردارند. برعکس، تعدادی دیگر مجبورند که برای ادامه زندگی کار کنند. اما نسبت کارگران زن که جزو جمعیت فعال هستند، از منطقه‌ای به منطقه دیگر بسیار متفاوت است.

## کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار

کشور سوئد در حال حاضر با دارا بودن ۵۰/۱ درصد کارگر زن در برابر ۵۵/۵ درصد کارگر مرد دارای بالاترین نرخ فعالیت زنان در بین کشورهای صنعتی است. در این کشورها تقریباً ۷۵ درصد کارگران زن در بخش خدمات، ۱۵ تا ۲۰ درصد در بخش صنعت و حدود ۵ درصد در بخش کشاورزی شاغلند.

درآمد زنان در مقایسه با درآمد مردان در تعدادی از کشورهای اروپایی  
در فعالیتهای غیرکشاورزی

کشور	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸
جمهوری فدرال آلمان	۷۲/۴	۷۲/۳	۷۳/۶
استرالیا <sup>۱</sup>	۸۶/۰	۸۵/۸	۸۷/۹
بلژیک <sup>۲</sup>	۶۹/۴	۷۴/۴	۷۵/۱
قبرس	۵۴/۳	۵۷/۹	۵۹/۱
دانمارک	۸۴/۵	۸۴/۴	۸۲/۱
فرانسه	۷۹/۲	۸۰/۷	۸۱/۸
ایسلند	۸۵/۵	۹۴/۱	۹۰/۵
ژاپن	۵۳/۸	۵۱/۸	۵۰/۷
لوززامبورگ <sup>۲</sup>	۶۴/۷	۶۴/۹	۶۳/۱
زلاندنو	۷۷/۲	۷۸/۴	۸۰/۴
هلند <sup>۲</sup>	۷۷/۹	۷۷/۰	۷۶/۷
انگلستان	۶۹/۲	۶۹/۵	-
سوئیس	۶۷/۶	۶۷/۲	۶۷/۴
چک و اسلواکی	۶۸/۴	۶۸/۴	۷۰/۱

۱- به استثنای مدیران  
۲- کارگران

صنعت الکترونیک، مواد غذایی، نساجی و صنعت کفش غالباً کارهای زنجیره‌ای یکنواختی را انجام دهند.

بعضی کشورهای آسیایی دارای اقتصاد برنامه‌های متمرکز نیز دارای نرخهای بالای مشارکت زنان در زندگی فعال هستند (۷۷ درصد در چین)، اما بخش کشاورزی در این کشورها جایگاه بسیار مهمی دارد.

در آمریکای لاتین، نرخ مشارکت زنان در زندگی فعال عموماً پایین است، تقریباً ۳۵ درصد در شیلی، کاستاریکا و اکوادور. بخش خدمات در این قاره اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تقریباً ۷۰ درصد زنان در این بخش فعالیت دارند و تعداد زیادی از آنها بعنوان خدمتکار در خانه‌ها کار می‌کنند.

پایین‌ترین نرخ رسمی فعالیت زنان مربوط به کشورهای عربی است (۸ درصد در الجزایر، ۱۰ درصد در مصر). در این کشورها بعضی باورهای اجتماعی، فرهنگی و تصمیمات قانونی، فعالیت زنان در خارج از خانه را ممنوع می‌سازد اما این به مفهوم کار نکردن آنها نیست. درصد زیادی از آنان در مزارع خانوادگی کار می‌کنند، ولی به دلایل سنتی هیچ مزدی دریافت نمی‌کنند و حتی جزء نیروی کار نیز به حساب نمی‌آیند.

### مشارکت زنان کوبا در فعالیتهای

#### اقتصادی

نتایج بررسیهایی که در سالهای اخیر

داده‌اند، زنان مجبور بوده‌اند برای بقای خانواده در بخش غیررسمی کار کنند و این چیزی است که یونیسف از آن بعنوان "تعدیل نامرئی" نام می‌برد.

در کشورهای آفریقایی نیز نرخ بالایی از مشارکت زنان به چشم می‌خورد. (۸۷ درصد در

بطور کلی "کار زنان" در کشورهای دارای اقتصاد برنامه‌ای، تا حدی به دلیل کنترل دولت بر مشاغل، کمتر مورد توجه است. این کنترل شدید نارضایتی‌هایی را بوجود آورده است. طبق تحقیقی که در سال ۱۹۸۸ در صنایع فلزی و مهندسی چک و اسلواکی انجام شده، تنها ۲۰ درصد زنانی که در این صنایع کار می‌کردند، کار خود را به اختیار انتخاب کرده بودند.

کارگران زن در اروپای شرقی و شوروی سابق هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند. در شوروی سابق، زنان فقط ۵/۶ درصد پست‌های بالای مدیریت را در دست دارند، این نسبت در لهستان حتی در بخشهایی مانند خدمات بهداشتی و رفاه اجتماعی به ۱۰ درصد می‌رسد.

### کشورهای در حال توسعه

در کشورهای در حال توسعه زنان نسبت پایینی از نیروی کار رسمی را تشکیل می‌دهند (۳۱ درصد در برابر ۴۰ درصد کشورهای صنعتی)، اما بسیاری از آنان در بخش غیر رسمی کار می‌کنند بنابراین اسمشان در ردیف آمارها قرار نمی‌گیرد. در واقع این چنین تصور می‌شود که در دوره‌های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش رسمی از دست

اختلافات در زمینه درآمد‌ها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است هر چند که ممکن است ساعات کار زنان کمتر از ساعات کار مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره‌وقت اشتغال داشته باشند، عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد تبعیض در پرداخت مزد است.

درخصوص فعالیت اقتصادی زنان در کوبا صورت گرفته، بالا بودن میزان مشارکت آنان در فعالیتها را نشان می‌دهد. برای بدست آوردن تصویر کاملی در این زمینه، هفت مورد که با این فعالیتها در ارتباط است بررسی شده که نتایج آن بطور خلاصه در جدول شماره (۱) آمده است. با مطالعه این جدول متوجه خواهیم شد که نسبت زنانی که برای کسب درآمد کار می‌کنند در مناطق مورد بررسی بالاست و اکثراً جزء جمعیت فعال هستند، بنابراین درصد بیکاران بسیار کم است. در منطقه "یاتیراس" ۲۳ درصد زنان ۵۹-۱۵ ساله از نظر اقتصادی فعال هستند که این میزان نشانه

مالاوی و ۷۱ درصد در زیمبابوه)، زنان این منطقه بیشتر در بخش کشاورزی اشتغال دارند. در بعضی از این کشورها نیز ۸۰ درصد زنان در بخش تولیدات غذایی فعالیت دارند.

در بخش اشتغال مزدگیری نیز بخصوص در آسیای جنوب شرقی پیشرفتهای مهمی حاصل شده است. زنان تا ۸۰ درصد نیروی کار مناطق آزاد تجاری در این مناطق را تشکیل می‌دهند. در واقع فرایند صنعتی شدن کشورهایمانند کوه جنوبی و تایلند را باید هم مدیون صادرات دانست و هم مدیون نیروی کار زنان؛ صرفنظر از اینکه آنها اغلب ناچار بوده‌اند در صنایعی مانند

پایین بودن پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آن منطقه است. بالا بودن درصد زنان خانه‌دار در این منطقه و در مقابل پایین بودن درصد دانشجویان نسبت به دو منطقه دیگر به این دلیل است که در منطقه "یاتیراس" زنان در سنین پایین ازدواج می‌کنند، بنابراین فرصتی برای ادامه تحصیل ندارند.

در "بوآناویستا" تقریباً نیمی از زنان و در "یاتیراس" از هر ۱۰ زن ۳ نفر در سازمانها مشغول به کارند. عملکرد زنان در گروههای مختلف سنی سه ناحیه تا سن ۳۵ سالگی تقریباً شبیه یکدیگر است، از این سن به بعد، اگر چه زنان در منطقه "پلازا" و "بوآناویستا" وضعیت مشابهی دارند اما مشارکت آنان در منطقه "یاتیراس" در سازمانهای

آمریکا) طی سالهای دهه هشتاد، به دلیل نبودن فرصتهای اشتغال تمام وقت، اشتغال زنان بصورت پاره وقت افزایش سریعی داشته است. زنانی که کار پاره‌وقت انجام می‌دهند اغلب از مزایایی مانند مرخصی زایمان و فرصتهای ارتقای شغلی محرومند.

کار موقت دارای یک نوع انعطاف‌پذیری

جدول شماره (۱): درصد توزیع زنان بین سنین ۵۹-۱۵ ساله براساس نوع فعالیت

نوع فعالیت	پلازا دولا رولوشن	بوآناویستا	یاتیراس
<b>جمعیت فعال</b>			
- افرادی که برای کسب درآمد کار می‌کنند	۵۹/۷	۴۵/۵	۴۰/۷
- افرادی که به علت دست از کار کشیدن یا استعفا کردن در جستجوی کار هستند	۱	۱/۴	۰/۴
- افرادی که برای اولین بار در جستجوی کار هستند	۲	۱/۵	۲/۵
<b>جمعیت غیر فعال</b>			
بازنشسته	۲/۱	۰/۶	۲
دانشجو	۱۶/۱	۱۱	۱/۶
خانه‌دار	۱۷/۱	۳۲/۹	۴۱/۸
وضعیت‌های دیگر	۲	۷	۱۱
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

دیگر نیز هست، اما تبعیض بین مرد و زن در این نوع کار کمتر مشاهده می‌شود در یک گروه از شش کشور اروپایی، اشتغال زنان ۸/۹ درصد در مقایسه با ۶/۳ درصد اشتغال مردان بوده است. نرخ بیکاری زنان در کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار بطور محسوس بالاتر از بیکاری مردان است، بعنوان مثال این میزان در ایتالیا، بلژیک، اسپانیا و هلند بیش از دو برابر است.

در اروپای شرقی و مرکزی، ظاهراً زنان همیشه فرصت اشتغال پاره‌وقت را داشته‌اند، اما در واقع، دولت‌ها و کارفرمایان اغلب از اعطای چنین فرصتی به زنان استقبال نکرده‌اند. از این رو، در سال ۱۹۸۹ در چک و اسلواکی تنها ۱۱/۶ درصد زنان بصورت پاره‌وقت کار می‌کردند، در حالی که ۲۷ درصد آنها به این کار تمایل داشتند. با وجود این، از سال ۱۹۸۹، زمانی که قوانین و مقررات جدیدی در این زمینه به تصویب رسید، تقریباً ۴۰ درصد کارگران زن (عموماً مادرانی که کودکان خردسال دارند) به کار پاره‌وقت اشتغال دارند.

زنان کشورهای در حال توسعه، خواه در بخش کشاورزی یا در شهرها معمولاً بین مسؤلیتهای خانوادگی و کار خود هماهنگی ایجاد می‌کنند. فعالیتهایی مانند کار در بازار یا فروشندگی در خیابانها این انعطاف‌پذیری را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در آفریقای غربی، در این نوع کار، زنان دارای اکثریت هستند: ۹۳ درصد فروشندگان بازار اکرا (پایتخت غنا) ۸۷ درصد

دولتی و سیاسی بطرز قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد که این امر با مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی برحسب گروه سنی در ارتباط است.

### کارگران زن پاره‌وقت، موقت یا بیکار

بدون شک روز به روز بر تعداد کارگران زن افزوده می‌شود، اما اشتغال آنها اغلب بصورت پاره‌وقت، موقت و یا دستمزد پایین است. در کشورهای دارای اقتصاد بازار (به استثنای

### طبقه‌بندی گروههای شغلی

درصد زنان براساس گروههای شغلی نیز که به هفت گروه تقسیم شده‌اند، در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. بیشترین تعداد زنان در گروه مشاغل فنی - حرفه‌ای قرار دارند، که این امر با سطوح تحصیلی آنان در ارتباط است. گروه

شغلی بعدی مربوط به کارگران بخش خدمات است. در اینجا نیز بدلیل وجود فرصتهای شغلی فراوان بیشترین درصد مربوط به منطقه یاتیراس می‌باشد، کمترین درصد بطور کلی به گروه مسئولان اجرایی تعلق دارد. دولت کوبا تأکید دارد که بر تعداد زنان شاغل در این بخش افزوده گردد، البته در این راستا موضوع تساوی فرصتهای شغلی نیز مطرح است. شرکت زنان در سازمانهای سیاسی و دولتی یکی از راههای مؤثر برای مشارکت آنها در زندگی اجتماعی است. از مصاحبه‌شوندگان در مورد مشارکت آنها در فعالیتهای داوطلبانه مانند جنبش مادران مبارز در امر تحصیل سؤال شده بود که پاسخ آن در جدول شماره (۳) درج شده است. براساس اطلاعات بدست آمده نسبت زنانی که در برخی سازمانها مسؤلیتهایی را برعهده دارند بسیار بالاست مثلاً در منطقه "پلازا" از هر ۱۰ زن ۴ نفر

جدول شماره (۲): درصد زنان براساس مشاغل

گروه شغلی	پلازا دولا رولوشن	بوآناویستا	یاتیراس
- مسؤولان اجرایی	۴/۵	۵/۲	۱/۴
- کارگران حرفه‌ای و تکنیسینها	۴۷/۲	۳۳/۴	۲۱/۸
- کارکنان اداری	۱۸/۳	۱۷/۸	۹/۵
- کارکنان بخش خدمات	۱۹/۶	۲۸/۲	۳۵/۴
- کارگران بخش کشاورزی	۰/۱	۳/۷	۲۸/۳
- کارگران بخش غیرکشاورزی	۸/۵	۱۱/۷	۲/۴
- سایر گروهها	۱/۸	-	۱/۱
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره (۳): نسبت زنان در مسؤولیتهای مختلف سازمانهای سیاسی و دولتی برحسب گروه سنی

سن	پلازا دولا رولوشن	بوآناویستا	یایتراس
۱۵-۱۹	۴۵/۱	۴۳/۷	۳۰/۳
۲۰-۲۴	۵۳/۸	۴۳/۵	۴۳/۸
۲۵-۲۹	۴۰/۶	۴۹/۵	۴۴/۷
۳۰-۳۴	۴۴/۹	۵۶/۴	۵۰/۴
۳۵-۳۹	۴۵	۴۱/۴	۳۷/۹
۴۰-۴۴	۴۹/۵	۵۲/۹	۳۲/۷
۴۵-۴۹	۴۲	۵۹/۵	۱۶
۵۰-۵۴	۴۰/۱	۴۰	۷
۵۵ سال و بیشتر	۲۵/۹	۲۵	۱۰
تمام زنان	۴۳/۸	۴۷/۱	۳۱/۲

لاگوس (پایتخت نیجریه) و ۶۰ درصد در داکا (پایتخت بنگلادش) را زنان تشکیل می دهند.  
**درآمد زنان**

در فاصله سالهای دهه هشتاد، اختلاف دستمزد بین مردان و زنان در کشورهای صنعتی نه تنها کاهش قابل ملاحظه‌ای نداشته است، بلکه بعضاً این اختلاف در برخی کشورها زیادتر نیز شده است. هنوز هم درآمد زنان برابر با ۵۰ تا ۸۰ درصد درآمد مردان است. در جدول مقابل، میزان درآمد زنان در مقایسه با درآمد مردان در شماری از کشورها نشان داده شده است.

این داده‌ها براساس سالنامه آماری کار از انتشارات دفتر بین‌المللی کار ارائه شده است اما منابع ملی در این زمینه گرایشهای مشابهی دارند. انگلستان: درآمد ناخالص هفتگی زنان در مقایسه با درآمد مردان بین سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ بطور نسبی افزایش یافته است یعنی از ۷۳/۴ درصد به ۷۶/۶ درصد رسیده است. آمریکا: بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۸، درآمد زنانی که بصورت تمام وقت کار می‌کردند از ۶۰ درصد به ۶۵ درصد درآمد مردان افزایش یافته است.

ژاپن: مزد ماهانه کارگران زن در این کشور که در سال ۱۹۷۵ برابر با ۵۸/۹ درصد درآمد مردان

پرداخت مزد است. این اختلافات در اروپای شرقی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، براساس تحقیقی که در چک و اسلواکی انجام شده، زنان در طول زندگیشان درآمد کمتری نسبت به مردان دارند. در سال ۱۹۸۴، مزد زنان بطور متوسط ۶۸/۶ درصد مزد مردان و در سال ۱۹۸۸ این میزان به ۷۰/۹ درصد رسید.

در کشورهای در حال توسعه نیز درآمد زنان کمتر از درآمد مردان است، البته اختلاف درآمد در بخش خصوصی و دولتی چندان محسوس نیست. درآمد آن‌ها در بخش غیررسمی نیز کمتر از درآمد مردان است. نتایج تحقیقی که درباره بخش غیررسمی در بانکوک انجام شده، نشان می‌دهد که درآمد زنان شاغل در بخش خدمات کمتر از نصف درآمد مردان است.

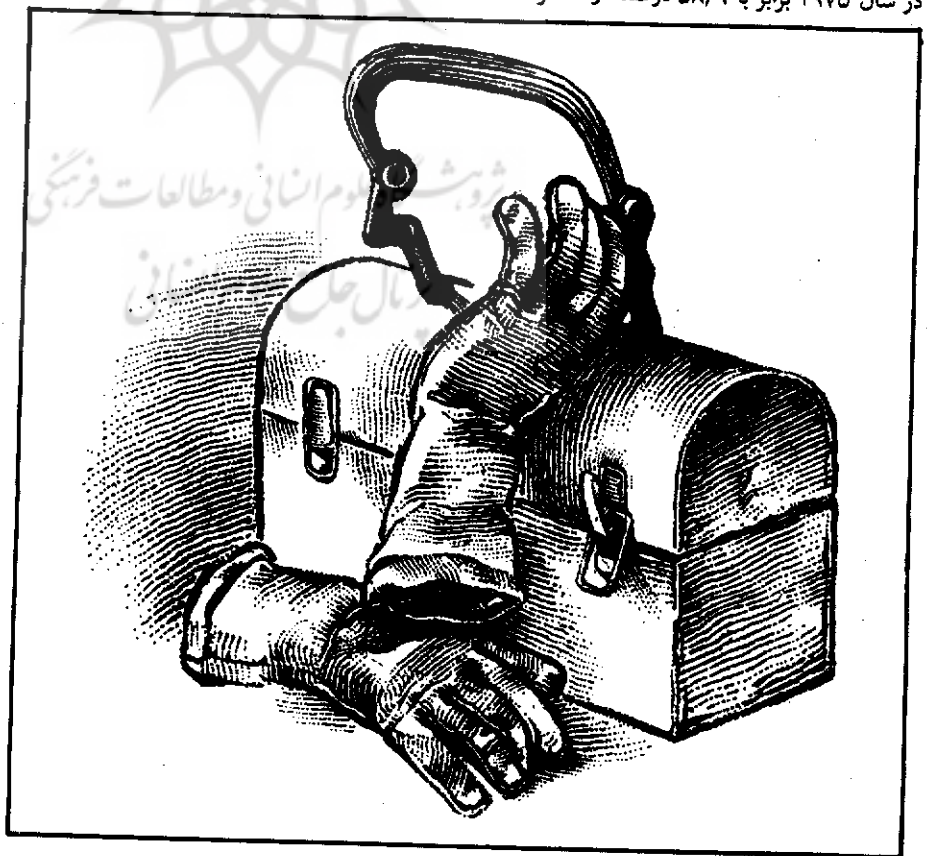
### ریشه‌های تبعیض در اشتغال زنان

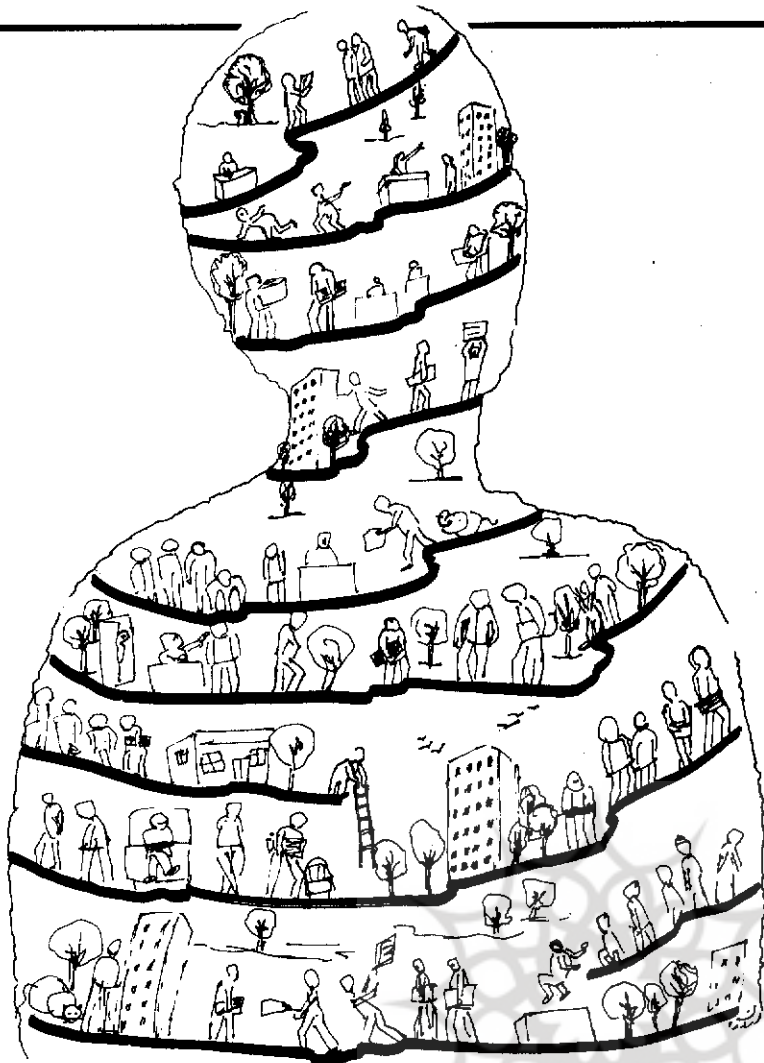
برای موجه جلوه دادن موقعیت پایین کارگران زن دلایل زیادی عنوان شده است. نیروی جسمانی یکی از معمول‌ترین آنهاست، اما حضور کارگران زن در کارگاههای ساختمانی آسیا و اروپای شرقی این توجیه را بی اعتبار می‌سازد. در عین حال با مکانیزه شدن کارهایی که قبلاً با دست انجام می‌گرفت، استفاده از نیروی جسمانی روز بروز کمتر خواهد شد. دلیل دیگر اختلاف روان‌شناسی است: در این باره اینگونه ادعا می‌شود که زنان به اندازه کافی خشن نیستند، اما این نظریه نیز در حال رنگ باختن است. در حال حاضر در آمریکا این تصور وجود دارد که احتمالاً طی سالهای دهه نود تعداد زیادی از زنان سرپرستی مؤسسات بزرگی را که کمتر به شیوه سلسله مراتبی سازماندهی شده است، بهمه خواهند داشت.

مشکل واقعی در نقش "تکثیر نسل" زنان

بود، در سال ۱۹۸۰ به ۵۵/۳ درصد کاهش یافت و در سال ۱۹۸۷ به ۵۷/۶ درصد رسید. کانادا: رابطه درآمدها نشان دهنده افزایش منظم زنانی است که بصورت تمام وقت کار می‌کنند، یعنی افزایشی از ۵۹/۷ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۶۵/۹ درصد در سال ۱۹۸۷.

این اختلافات در زمینه درآمدها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است. هر چند که ممکن است ساعات کار زنان کمتر از ساعات کار مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره وقت اشتغال داشته باشند. عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد، تبعیض در





است. البته این موضوع فقط به فرایند فیزیولوژیکی آن مربوط نمی‌شود، بلکه با تکثیر نسل اجتماعی خانواده در ارتباط است. خانه‌داری، تهیه غذا و مسؤلیت تربیت فرزندان، مواردی است که فرصت کار کردن در خارج از خانه را از آنها سلب یا اینکه اغلب "بار مضاعفی" را به آنان تحمیل می‌کند.

مردان و زنان می‌توانند نقش باروری اجتماعی را بطور عادلانه بعهده بگیرند. مردان از لحاظ جسمی از عهده این کار بر نمی‌آیند، اما از لحاظ فرهنگی توانایی آن را دارند. تحقیقی که در این باره در کشورهای شمال اروپا انجام شده، نشان می‌دهد که هر گاه ساعات کار مردان کاهش پیدا کند، آنها ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را به استراحت بگذارند تا به نگهداری از کودکان یا انجام امور خانه. در لهستان مردانی که بتازگی ازدواج کرده‌اند، حتی در ابتدایی‌ترین امور خانه نیز به همسرانشان کمک نمی‌کنند، در ژاپن مردان روزانه تنها ۱۵ دقیقه از وقت خود را به انجام امور خانه اختصاص می‌دهند.

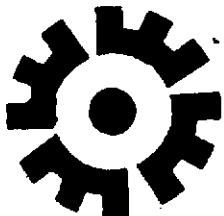
چنانچه خانه‌داری را مد نظر داشته باشیم، باید اذعان کنیم که زنان در بیشتر کشورهای دنیا روز کاری طولانی‌تری را نسبت به مردان دارند. نمودار مقابل نتایج تعدادی از بررسی‌های منطقه‌ای در این زمینه را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که زنان در کشورهای صنعتی کمتر از

**چنین تصور می‌شود که در دوره‌های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش رسمی از دست داده‌اند زنان مجبور بوده‌اند برای بقای خانواده در بخش غیررسمی کار کنند و این چیزی است که یونیسف از آن به عنوان تعدیل نامرئی نام می‌برد.**

درصد زنان شاغل در ادارات دولتی از مزاحمت‌های جنسی در محل کار شکایت کرده‌اند. در بلژیک نیز ۳۰ درصد از زنان و در هلند ۵۸ درصد اعلام کرده‌اند که آنها قربانی مزاحمت‌های جنسی در محل کار شده‌اند. هر چند که این پدیده در کلیه سطوح اشتغال وجود دارد، اما زنانی که در بخش کشاورزی و مشاغل دفتری کار می‌کنند ظاهراً در این مورد آسیب‌پذیرتر هستند. کارگران زن که پست‌های کاری پایینی را انتخاب می‌کنند بیشتر از سایرین قربانی این کار می‌شوند.

مأخذ: کار در جهان (B.I.T) ۱۹۹۲

ادامه دارد



خانه یا شستن ظروف بسیار کم است. (۹۵) درصد مردان هرگز این کارها را انجام نمی‌دهند. زنانی که ناچارند در خانه بمانند و از کودکان خود نگهداری کنند به زحمت می‌توانند در جای دیگر کار کنند، با این همه باید با کارفرمایانی که معتقدند که زنان نمی‌توانند کار کنند و نمی‌توان بر روی نیروی کار آنها سرمایه‌گذاری کرد، مدارا نمایند. آنها ممکن است در "شبکه مادران" که پایگاه و فرصت‌های شغلی کمی به آنان می‌دهد، قرار بگیرند یا اینکه مجبورند برای پیشرفت شغلی از مادر شدن چشم‌پوشی کنند. مزاحمت‌های جنسی نیز شکل دیگری از تبعیض در محل کار است. براساس یک سلسله مطالعاتی که اخیراً صورت گرفته، این پدیده بصورت مشکل کلی درآمده است. در آمریکا ۲۲

گذشته وقت خود را صرف انجام امور خانه می‌کنند، شاید علت آن کوچکتر شدن خانواده و استفاده از ابزار و لوازم خانگی مجهز باشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، زنان از این مزایا محرومند و "بار مضاعفی" برای آنها بسیار طاقت‌فرساست. روستائیان آفریقایی معمولاً روزانه ۱۶ ساعت کار می‌کنند، حتی در کوبا که مردان بطور قانونی باید در خانه‌داری به همسرانشان کمک کنند، ۸۲ درصد زنان در "هاواتا" و ۹۶ درصد، در حومه آن مجبورند به تنهایی این کار را انجام دهند. در هندوستان نیز براساس آمارگیری نمونه از مادرائی که کار می‌کنند، مشخص شد که ۴۰ درصد از مردان در امر خرید یا نگهداری از کودکان به زنان خود کمک می‌کنند، اما مشارکت آنها در انجام امور